بنام خداوند يكتا اى شيخ نداى معنوى را از سدره ربّانى...

حضرت بهاءالله

اصلی فارسی



### من آثار حضرة بهاءالله – لئالئ الحكمة، المجلد 3، لوح رقم (235)

## بنام خداوند يكتا

ای شيخ ندای معنوی را از سدرهٴ ربّانی بلسان پارسی بشنو تا از ندای خوش رحمن جان شوی و جسد امكان را زنده و پاينده نمائی لَيْسَ هذا عَلى اللهِ بِعَزِيْزٍ، بادهٴ الست را از دست محبوب يكتا بگير و بياشام تا سرمست شده از مكان فانی بلامكان ابدی صعود نمائی و بفيض اقدس كه مقدّس از ذكر و بيانست فائز شوی، و بعد از ارتقای بمقصد اقصی باهل انشا توجّه نما تا بعنايت الهيّة كل را از اين بادهٴ روحانيّة بشطر احديّه كشانی إِنَّها هِيَ خَمْرٌ لَذَّةٌ لِلشارِبِيْنَ، نيكوست حال نفسيكه اليوم باين كاس فائز شد و از او آشاميد ( إِنَّ الأَبْرارَ يَشْرَبُوْنَ مِنْ كَأْسٍ كانَ مِزاجُها كافُوْرًا )، ای شيخ ملاحظه در احزاب مختلفهٴ اهل طريقه نمائيد كه كل خود را از اهل بصيرت ميشمردند و چون شمس حقيقت از افق مشيّت الهی طالع شد اكثری بحجبات نفس و هوى از مشرق هدى و مطلع اسماء حسنى محروم ماندند، لَيْسَ هذا أَوَّلَ قارُوْرَةٍ كُسِرَتْ فِي الْحَقِّ وَلا أَوَّلَ سِتْرٍ هُتِكَ بِما اكْتَسَبَتْ أَيادِي الْخَلْقِ، ملاحظه در قبل نمائيد چون آفتاب حقيقت از افق حجاز اشراق فرمود چه مقدار احجار اعراض و اعتراض از اهل نفاق و مجاز بر آن سدرهٴ لا شرقيّه ولا غربيّه وارد شد، قالُوا ( إِنّا وَجَدْنَا آبائَنا عَلى أُمَّةٍ وَإِنّا عَلى آثارِهِمْ مُقْتَدُوْنَ )، انشاء الله آن جناب در اين صباح جان افزا قدح فلاح را باسم فالق الإصباح بنوشند و بنوشانند و از عالميان فارغ و مقدّس و آزاد باشند، بگو ای بلبلان جمال گُل ظاهر و هويداست و ای عاشقان جمال معشوق چون صبح صادق روشن و منير است وقت تغنّی امروز است و هنگام جان افشانی امروز است، از حق ميطلبيم كه آنجناب را چون سراج هدايت ما بين اهل مملكت روشن فرمايد تا كل از انفاسش مستفيض شوند و بفيّاض راه يابند إِنَّهُ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ، هر نفسيكه در قول إِنّا للهِ صادق بوده البتّه بإِلَيْهِ راجِعُوْنَ در اين ظهور اسم مكنون فائز خواهد شد، الْبَهاءُ عَلَيْكَ.